اشتباهات قلمی در دیوان حافظ

یغمائی، صهباء

در شماره 216 مجله وحید صفحه 56 یادداشتی بامضای نگارنده تحت عنوان(چند کلمه اشتباهی در دیوان حافظ)چاپ شده بود که بعلت مخلوط شدن حروف و سطور در چاپخانه مسلما خوانندگان محترم چیزی از آن در نیافته و یا آن یادداشت را هم چیزی‏ در ردیف شعر نو و هذیان نویسنده تلقی فرموده‏اند-البته لازم بود که جناب آقای مدیر دانشمند مجله دستور تجدید چاپ آنرا میدادند ولی چون تاکنون اقدامی در تصحیح آن‏ از جانب خود مجله بعمل نیامده-نگارنده محتوای یادداشت مزبور را بانضمام چندین‏ اشتباه قلمی دیگر که در اشعار حافظ کشف کرده‏ام ذیلا بنظم خوانندگان فاضل مجله‏ وحید میرسانم تا اگر آنرا قابل قبول دیدند لا اقل در کتاب حافظی که در دسترس دارند آنرا یادداشت فرمایند.

1-بیت

(تا که اندر دام وصل آرم تذروی خوش خرام‏ در کمینم و انتظار وقت‏ فرصت میکنم)

فعل انتظار(کشیدن)است نه(کردن)لذا بنظر میرسد که نساخ کلمه‏ (انتهاز)را(انتظار)خوانده‏اند-انتهاز فرصت کردن مورد استعمال دارد ولی انتظار فرصت کردن صحیح بنظر نمیرسد لذا باید مصرع دوم را

(در کمینم و انتهاز وقت فرصت‏ میکنم)

خواند.

2-بیت

(این تقویم تمام که با شاهدان شهر ناز و کرشمه بر سر منبر نمیکنم)

بطوریکه‏ ملاحظه میفرمایید وزن مصرع اول مغشوش است و در حافظ سابقه ندارد که رعایت وزن نشده‏ باشد لذا با توجه به طرز تلفظ کلمه(تقوی)بنظر میرسد که دو کلمه اول مصرع اول مقدم و موخر شده و اگر آنرا معکوس کنیم وزن شعر درست میشود

(تقوایم این تمام که با شاهدان شهر ناز و کرشمه بر سر منبر نمیکنم).

3-بیت

(ز نقش‏بند قضا هست امید آن حافظ که همچو سر و بدستم نگار باز آید

باز آمدن سرو بدست مضمون درستی بنظر نمیرسد نساخ کلمه(سهره)را که نام مرغی‏ است و بازآمدنش بدست با نقش‏بند قضا تناسب دارد-اشتباها(سرو)ضبط کرده‏اند لذا صحیح مصرع دوم

(که همچو سهره بدستم نگار باز آید)

میباشد.

4-در بیت

(دل ضعیفم از آن میکشد بطرف چمن‏ که جان ز مرگ به بیماری از صبا ببرد)

بطوریکه ملاحظه میفرمائید بیماری صبا معنای قابل قبولی ندارد و تعبیری را هم‏ که جناب آقای دکتر رجائی در مجله یغما از این بیت فرموده بودند بنده را قانع نکرد و معتقدم نساخ(تیماری صبا(را که بمعنای پرستاری باشد اشتباها"(بیماری)خوانده‏اند و بدیهی است در این صورت مفهوم بیت بدون تصحیح تعقیدی روشن میگردد و در اشعار حافظ هم مکرر در مکرر به جانفزائی و روحپروری و شفابخشی صبا که همانا تیماری باشد اشاره شده است بنابراین مصرع دوم این‏طور خواهد بود

(که جان ز مرگ به تیماری صبا ببرد)

5-در بیت

(زبان ناطقه در وصف شوق نالانست‏ چه جای کلک بریده زبان بیهده‏گوست)

در مصرع اول ناله و نالان بودن فاقد معناست صحیح آن لال است بوده و نساخ‏ کلمه(ما)را(نا)خوانده و(لالست)را که سرهم نوشته شده بود دنباله(نا)تصور کرده‏ و در نتیجه(مالال است)(نالانست)از کار درآمده لذا صحیح مصرع اول

(زبان ناطقه‏ در وصف شوق مالال است)

خواهد بود.

6-در بیت

(کمان ابروی جانان نمی‏پیچد سر از حافظ و لیکن خنده می‏آید بدین‏ بازوی بی‏زورش)

بنظر حقیر(خنده می‏آید)در این‏جا مورد ندارد اعم از آنکه خنده‏ منسوب به(حافظ باشد یا معشوق)معنای صحیحی نمی‏توان برای مضمون بیت پیدا کرد- بنظر بنده کلمه(چند می‏تابد)بوده که نساخ اشتباها"آنرا(خنده می‏آید)خوانده‏اند و مفهوم بلند شعر را به سطح بسیار نازلی پائین آورده‏اند این بیت مفهومی دارد نظیر

(طبیب‏ عشق مسیحا دم است و مشفق لیک‏ چو درد در تو نه بیند که را دوا بکند)

البته نه غنیا" بل ملولا"که خیال میکنم بر علاقه‏مندان بمضامین حافظ پوشیده نیست.

7-در بیت

(با چنین حیرتم از دست بشد حرفه کار در غم افزوده‏ام آنچه از دل‏ و جان کاسته‏ام)

حیرت در مصرع اول معنا ندارد(خبرت)را اشتباها"(حیرت)خوانده‏اند و صحیح مصرع اول

(با چنین خبرتم از دست بشد حرفه کار)

صحیح میباشد.

8-در بیت

(دیدیم شعر دلکش حافظ بمدح شاه‏ یک بیت از این قصیده به از صد رساله بود)

در مصرع دوم کلمه(از این)معنای درستی ندارد بنظر میرسد(یک بیتش از قصیده)صحیح میباشد.

9-در بیت

(بدان مثل که شب آبستن است دور از تو ستاره می‏شمرم تا که شب چه‏ زاید باز)

کلمه شب در هر دو مصرع بدون ضرورت تکرار شده که در حافظ این قبیل‏ مسامحات بی‏سابقه است.بنظر میرسد که مصرع دوم

(ستاره می‏شمرم تا سحر چه زاید باز)

بوده و اشتباها"(تا که شب چه زاید باز)ضبط شده است.

با تقدیم احترام تهران فروردین 2537 حسن صهبا یغمائی